



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در وقف مسلمان بر کافر می باشد، ما باید توجه داشته باشیم که بافت فقه ما در اسلام بر اساس واقعیات جوامع اسلامی است نه یک جامعه تخیلی و واقع آن است که در جامعه ی مسلمانان همیشه کفار وجود داشته اند و الان نیز در مملکت ما کفار هستند و در مجلس نماینده دارند منتهی کفار ذمی هستند و زیر سیطره قوانین اسلامی می باشند و حتی در جنگ تحمیلی نیز شرکت کردند و شهید دادند خلاصه اینکه فقه ما مطالب خود را بر اساس واقعیات جامعه اسلامی تنظیم می کند.

مطلب دوم اینکه در اسلام همیشه یک قدرتی برای اداره جامعه در نظر گرفته شده جامعه مدیر نیاز دارد تا در راس امور قرار بگیرد و حکومت و مدیریت کند و احکام را بیان کند و ارزش ها را حفظ کند و معروف را منتشر کند و جلوی منکر را بگیرد خلاصه بافت فقه ما همین است بنابراین چون کفار با مسلمانان در یک شهر و محله زندگی می کنند و باهم حشرو نشر دارند لذا فقه ما می گوید هیچ اشکالی ندارد که مسلمان از مال خودش برای کافر وقف کند منتهی نه هر کافری، امام رضوان الله علیه در تحریرالوسیله در این رابطه می فرماید: «مسألة ۳۸ - الظاهر صحة الوقف على الذمي والمرتد لا عن فطرة سيما إذا كان رحما، وأما الكافر الحربي والمرتد عن فطرة فمحل تأمل»^۱.

مرتد دو نوع است، مرتد فطری و مرتد ملی، مرتد فطری کسی است که پدر یا مادر مسلمان بوده اند و بعد به حد بلوغ رسیده و اسلام را قبول کرده و بعد برگشته و کافر شده و مرتد ملی کسی است که پدر و مادرش کافر بوده اند و

به دنیا آمده و رشد کرده و به حد بلوغ رسیده و بعد اسلام را اختیار کرده و بعد از اختیار اسلام برگشته و مرتد شده، اسلام نسبت به مرتد خیلی سختگیر است زیرا کافر بالاخره کافر است اما مرتد با ارتدادش یک دهن کجی به اسلام می کند و ضربه بیشتری وارد می کند، در سوره آل عمران اینطور ذکر شده: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاتَّكُفُّوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲، اهل کتاب هنگام نزول آیات قرآن در مدینه وجود داشتند و مردم مدینه قبل از اینکه پیغمبر اسلام به مدینه برود خیلی با دید احترام به اهل کتاب مثل یهود و نصاری نگاه می کردند زیرا بالاخره اینها کتاب آسمانی داشتند و خودشان را تابع شریعت پیغمبر می دانستند و حتی اول که اسلام آمد اینها خیلی خوب استقبال کردند اما وقتی که پیغمبر اسلام آمدند و گفتند اهل کتاب کافرنده آنها شروع به مخالفت کردند و موضع گرفتند و اسلام نیز در برابر اینها ساکت نبود، اهل کتابی که در مدینه بودند نقشه های فراوانی بر علیه مسلمانان می کشیدند و یکی از نقشه هاشان که در آیه شریفه نیز ذکر شده همین بود که به مردم می گفتند صبح بروید بگوئید ما آمده ایم مسلمان بشویم و بعد در آخر روز برگردید و بگوئید اسلام دین خوبی نیست و دین ما خیلی از آن بهتر است و این یک ضربه و دهن کجی به اسلام بود لذا در اسلام مرتد با کافر اصلی فرق دارد و اسلام نسبت به مرتد سختگیری بیشتری دارد زیرا مرتد به اسلام دهن کجی می کند و ضربه بیشتری می زند. محقق در شرایع درباره وقف بر کفار اینطور فرموده: «و لا يقف المسلم على الحربي و لو كان رحما و يقف على الذمي و لو كان أجنبيا»^۳.

^۱ سوره آل عمران، آیه ۷۲.

^۲ شرایع، محقق حلی، ج ۲، ص ۱۶۸، ط اسماعیلیان.

^۳ تحریر الوسیله، الامام الخمينی، ج ۲، ص ۷۱، مسئله ۳۸.

در منهاج الصالحین در کتاب الوقف مسئله ۴۴ ذکر شده: "یحوز وقف المسلم علی الکافر" و دیگر فرقی بین حربی و ذمی نگذاشته.

بهترین بحث را در اینجا محقق کرکی در جامع المقاصد دارد ایشان فرموده: «اختلف الأصحاب في جواز الوقف على الذمي على أقوال: الأول: المنع مطلقا، وهو قول سائر، وابن البراج، لقوله تعالى: "لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم أو أبناءهم" الآية، والوقف نوع مودة فيكون منهيا عنه فلا يكون طاعة.

الثاني: الجواز مطلقا، حكاه الشيخ في المبسوط، واختاره نجم الدين بن سعيد، لقوله تعالى: "لا ينهاكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم أن تبروهم" الآية، ولقوله عليه السلام: "على كل كبد حرى (تشنه) أجر".

الثالث: الجواز إذا كان الموقوف عليه قريبا دون غيره، وهو مختار الشيخين، وأبي الصلاح، وابن حمزة، لقوله تعالى: "وصاحبهما في الدنيا معروفا" و: "وصينا الإنسان بوالديه حسنا" والأوامر كثيرة في صلة الرحم، وهذا القول ليس بعيدا من الصواب»^۴.

خب و اما صاحب وسائل نیز در جلد ۶ وسائل ۲۰ جلدی بعد از ذکر زکات ابوابی در انواع صدقات ذکر کرده و در باب ۱۹ از این ابواب صدقات روایاتی را در مورد صدقه بر ذمی نقل کرده که خودتان مراجعه و مطالعه فرمائید و اما خواستم عرض کنم که روایت مذکور در کلام جامع المقاصد (علی کل کبد حرى أجر) در این باب ۱۹ ذکر شده.

یک خبر از باب ۱۹ از ابواب صدقات را به عنوان نمونه می خوانیم، خبر این است: ﴿وعن محمد بن يحيى، عن أحمد

بن محمد، عن علي بن حديد، عن مرزام، عن مصادف (غلام امام صادق عليه السلام بوده) قال: كنت مع أبي عبد الله عليه السلام فيما بين مكة والمدينة فمررنا على رجل في أصل شجرة وقد القي بنفسه فقال: مل بنا إلى هذا الرجل فإني أخاف أن يكون قد أصابه عطش، فملت إليه فإذا رجل من القراشين، طويل الشعر، فسأله أعطشان أنت؟ فقال: نعم، فقال لي: انزل يا مصادف فاسقه، فنزلت وسقيته ثم ركبت وسرنا فقلت: هذا نصراني أفتصدق على نصراني؟ فقال: نعم إذا كانوا في مثل هذه الحال^۵.

خلاصه اینکه کسی استبعاد نکند که مسلمان نباید مالش را بر کافر وقف کند بلکه بعضی وقتها خوب هم هست زیرا مولفه قلوب می شوند و دیدشان نسبت به اسلام خوب می شود که خود اینها مسائل بسیار مهمی می باشند. بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

^۵ وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ۶، ص ۲۸۵، ابواب صدقات، باب ۱۹، خبر ۳، ط الاسلاميه.

^۴ جامع المقاصد، محقق کرکی، ج ۹، ص ۵۰.